



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۲۱ آبان ۱۴۰۳

مصادف با: ۹ جمادی الاول ۱۴۴۶

موضوع جزئی: آیه ۵۸ و ۵۹ - بخش‌های پنج‌گانه آیه ۵۸ - بخش دوم: «فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا» -

جلسه: ۱۲

مطلب اول: امر غیر الزامی - مطلب دوم: معنای اَکَل -

مطلب سوم: چگونگی مواجهه بنی‌اسرائیل با این امر

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَّعْنُ عَلَىٰ أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم آیه ۵۸ و ۵۹ چندین بخش دارد؛ در آیه ۵۸ پنج بخش وجود دارد. بخش اول مورد بحث قرار گرفت: «وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ» مطالب مختلفی را در مورد این بخش از آیه ۵۸ ذکر کردیم.

بخش دوم: «فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا»

این بخش هم مشتمل بر نکاتی است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. معنای این فقره از آیه ۵۸ این است: پس بخورید، یعنی تصرف کنید در نعمت‌هایی که در این قریه وجود دارد، هر چه می‌خواهید به صورت فراوان، یعنی امر به استفاده از نعمت‌های موجود در آن منطقه، آن هم به شکل فراوان و وسیع، نعمت‌های گوارا و بدون محدودیت. این در واقع ناظر به محدودیتی بود که در گذشته داشتند، هم از نظر قلت و کثرت، یعنی از نظر کمیت، هم از جهت کیفیت و تنوع. به هر حال در چهل سال سرگردانی و تحیر در آن سرزمین، محدودیت‌هایی برای آنها پیش آمده بود. اینجا خداوند کأن می‌فرماید: وقتی که وارد این قریه شدید و در آن سکنا گزیدید، آن محدودیت‌ها کنار می‌رود؛ شما هر گونه که بخواهید از نعمت‌های خداوند آن هم به نحو وسیع و فراوان، می‌توانید استفاده کنید. روشن است که اینجا به قرینه خود این امر و این جمله، معلوم می‌شود امر به دخول در این قریه در واقع امر به سکونت بود؛ وقتی می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا»، این معنایش آن نیست که وارد این قریه شوید و از این نعمت استفاده کنید و بعد برگردید؛ می‌فرماید وارد شوید و در آنجا سکونت گزینید و از نعمت‌های فراوان و گوارای آن سرزمین بهره‌مند شوید. این یک توضیح اجمالی در مورد این بخش از آیه است.

مطلب اول: امر غیر الزامی

اما نکات و مطالبی که در این بخش لازم است مورد اشاره قرار گیرد، یکی مربوط به خود این امر است. این امر بعد از ذکر امر به ورود به این قریه، یک امر الزامی نیست برخلاف امر به دخول؛ «وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ» که یک امر الزامی بود؛ قبلاً هم در بخش اول این را توضیح دادیم. اما این امر الزامی نیست؛ یعنی شما مجاز هستید که از نعمت‌های فراوان و گوارای این سرزمین استفاده کنید.

روشن است که این امر چرا امر الزامی نیست. برای اینکه اگر می‌خواست امر الزامی باشد، هر چه می‌خواهید به صورت فراوان بخورید، این شاید تکلیف به ما لا یطاق بود و اساساً معنا ندارد که چنین دستوری صادر شود و با بقیه اوامر الهی سازگاری ندارد.

مطلب دوم: معنای اکل

امر به اکل در واقع کنایه از تصرفات است، مثل «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ»؛ آنجا که می‌گوید اموال‌تان را به سبب و اسباب باطل نخورید، منظور خوردن حقیقی نیست؛ یعنی لا تتصرفوا در اموال خودتان که بین شما هست به اسباب باطل. اینجا هم در واقع خصوص اکل نیست بلکه مقصود هر گونه تصرف در نعمت‌های الهی است که طبیعتاً متناسب با هر نعمتی، نوع تصرفات متفاوت است.

مطلب سوم: چگونگی مواجهه بنی‌اسرائیل با این امر

نکته دیگر، مواجهه بنی‌اسرائیل با این امر است؛ از این چند دستوری که خداوند در این دو آیه ذکر کرده است، تنها امری که مورد اطاعت قرار گرفت، همین امر بود؛ خداوند هم دستور به ورود به قریه داد؛ هم دستور به ورود از باب معین به حالت خضوع و خشوع و هم دستور به گفتن یک ذکر خاص یا استغفار و تقاضای آمرزش گناه. لکن بنی‌اسرائیل طبق عادت مألوفشان با همه این اوامر مخالفت کردند مگر امر «فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا»؛ اما در مورد امر به ورود در این قریه مخالفت کردند؛ برای اینکه شروع کردند به مجادله با خداوند. یک مرحله از مجادله را در مرحله اول انجام داده بودند و مخالفت کردند، اینجا هم به شکل دیگر. در مورد امر به ورود از در آن منطقه با حالت خضوع و خشوع، این را هم مخالفت کردند؛ چون متکبرانه و مغرورانه وارد شدند. اینکه خداوند فرمود این قول را بگویید (در وقتش بیشتر توضیح می‌دهیم) یعنی آمرزش گناهان را از خداوند بخواهید، استغفار کنید و از خدا بخواهید که گناهان شما را بریزد، اما آنها از این هم تمرد کردند و تنها امری که از مجموعه این اوامر و دستورات اطاعت کردند، همین امر به «فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا» بود. این هم برای آن بود که طبیعتاً بر خورداری از نعمت و استفاده از نعمت‌های مادی، آن هم در آن منطقه پر برکت و پر از نعمت، دقیقاً مطابق با روحیات بنی‌اسرائیل بود؛ بنی‌اسرائیل رفاه‌طلب که اهل تلاش و جهاد نبودند، با این دستور خیلی با روی باز برخورد کردند؛ چون مطابق با روحیه رفاه‌طلبانه آنها و بهره‌مندی و تمتع از نعمت‌های خداوند بود، این را خیلی خوب اطاعت کردند و بیش از آنچه که به آن امر شده بودند، عمل کردند؛ بیش از آن مقداری که برای آنها مباح بود این کار را انجام دادند. این یک امری بود که در مورد بنی‌اسرائیل کاملاً واضح و آشکار بود؛ هر وقت که زمان جهاد بود، بهانه‌جویی می‌کردند؛ وقتی جنگ می‌شد، بهانه‌جویی می‌کردند؛ اما وقتی که بهره‌مندی و تمتع بود، به راحتی همه وارد می‌شدند و استفاده می‌کردند.

شاید نکته دیگری که اینجا لازم باشد در این فقره از آیه بیان شود، وجود ندارد و آنچه که لازم بود، بیان شد.

بحث جلسه آینده

ان شاء الله در جلسه آینده بخش سوم آیه یعنی «وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا» را توضیح خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمين»